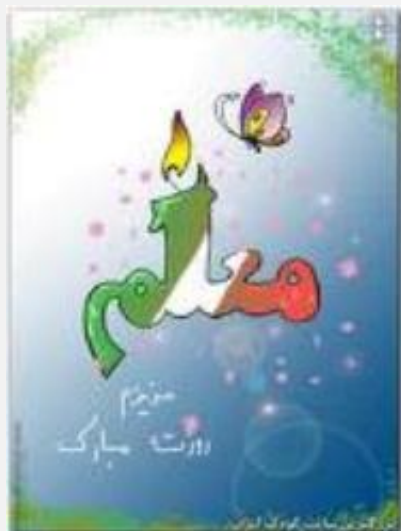


روز معلم

انسان نیز با پذیرش این مسئولیت، نام خویش را در این گروه و در قالب واژه مقدس «معلم» ثبت کرده است. معلم، ایمان را بر لوح جان و ضمیرهای پاک حک می کند و ندای فطرت را به گوش همه می رساند. همچنین سیاهی جهل را از دل ها می زداید و زلال دانایی را در روان بشر جاری می سازد.



تعلیم و تعلم از شئون الهی است و خداوند، این موهبت را به پیامبران و اولیای پاک خویش ارزانی کرده است تا مسیر هدایت را به بشر بیاموزند و چنین شد که تعلیم و تعلم به صورت سنت حسنه آفرینش درآمد.

انسان نیز با پذیرش این مسئولیت، نام خویش را در این گروه و در قالب واژه مقدس «معلم» ثبت کرده است. معلم، ایمان را بر لوح جان و ضمیرهای پاک حک می کند و ندای فطرت را به گوش همه می رساند. همچنین سیاهی جهل را از دل ها می زداید و زلال دانایی را در روان بشر جاری می سازد.

دغدغه معلم همیشه این است که حیات بشر، بر مدار ارزش ها و کرامت انسانی بچرخد و شناخت خدا و مکتب و دین، همت اساسی آدمی باشد و هیچ بیگانه ای را مجال تجاوز به فرهنگ ارزشی دین و میهن فراهم نیاید.

در این مسیر خطیر، بزرگانی گام نهاده اند که نامشان بر تارک زمان می درخشد. علامه شهید استاد مرتضی مطهری (رحمه الله) از همین طایفه مقدس است که در سنگر تعلیم و تعلم، به قله های رفیعی دست یافت تا آنجا که معمار انقلاب اسلامی - که خود معلمی بزرگ است - همه آثارش را مفید می داند و بهره برداری از آنها را سفارش می کند ...

مفهوم علم

- امروزه در زبان پارسی و عربی کلمه «علم» به دو معنای متفاوت بکار برده می شود.

1- معنای اصلی و نخستین علم، دانستن در برابر ندانستن است. قرآن کریم به این معنا اشاره دارد که «علم»؛ هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» «آیا یکسانند آنان که می دانند و آنان که نمی دانند.» (زمر/ 9) از این منظر به همه دانستنیها صرف نظر از نوع آنها علم گفته می شود مطابق این معنا، اخلاق، ریاضیات، فقه، دستور زبان، مذهب، زیست شناسی و نجوم همه علم اند... کلمه Knowledge در انگلیسی و Connaissance در فرانسه معادل این معنا علم اند.

2- کلمه علم در معنای دوم منحصرأ به دانستنی هایی اطلاق می شود که بر تجربه مستقیم حسی مبتنی باشند... علم در این جا در برابر همه دانستنیهایی قرار می گیرد که آزمون پذیر نیستند. اخلاق (دانش خوبی ها و بدیها) متافیزیک (دانش احکام و عوارض مطلق هستی) عرفان (تجارب درونی و شخصی) منطق (ابزار هدایت فکر) فقه، اصول، بلاغت، و ... همه بیرون از علم به معنای دوم آن قرار می گیرند و همه به این معنا غیر علمی اند کلمه SCIENCE در انگلیسی و فرانسه معادل این معنا علم اند.

دیده می شود که علم در این معنا بخشی از علم به معنای اول را تشکیل می دهد و به سخن دیگر علم تجربی نوعی از انواع دانستنیهای بسیاری است که در اختیار بشر می تواند قرار گیرد. رشد علم به معنای دوم عمدتاً از آغاز دوره رنسانس به بعد است در حالیکه علم به معنای مطلق آگاهی (معنای اول) تولدش با تولد بشریت هم آغاز است. آیه قرآنی «علم»؛ خلق الانسان علمه البیان» (خداوند رحمن انسان را آفرید و بیان را به وی تعلیم داد/ رحمن/ 3و4) بهترین موید این معناست.

معنای عالم باتوجه به دو تعریف از علم

- در نگاه اول به علم که نگاه ترکیبی به معرفت است خداوند معلم اول و پیامبر معلم ثانی است چرا که پس از تعلیم آدم توسط

خداوند دستور « قال يا آدم انبئهم باسمائهم» (اي آدم ملائکه را به اين اسماء آگاه ساز/ بقره 33) آدم عليه السلام داده شده اين بدان جهت است که اساساً هدف آفرينش انسان با علم و معرفت پيوند ناگستني دارد در بيان رسا و جامع سيد شهيدان امام حسين (ع) اين معنا به خوبي روشن است که: « ما خلق العباد الا ليعرفوه، فاذا عرفوه عبده» (بندگان را نيافريد مگر براي آن که او را بشناسند پس چون او را شناختن عبادتش خواهند کرد. - در اين معنا هدف از ارسال معلم ثاني ارائه معرفتي است که انسان بواسطه آن به عبادت مي رسد « هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم تلبوا عليهم آياته و يزكهم و يعلمهم الكتاب و الحكمة و ان كانوا من قبل لفي ضلال مبين» (اوست خدايي که پيامبر بزرگوار از ميان شان برانگيخت تا بر آنان آيات وحی را تلاوت کند و آنان را پاك سازد و شريعت کتاب و حکمت الهي را بياموزد که پيش از اين همه در ورطه جهالت و گمراهي بودند (جمعه/2) در اين آيه همه علوم از جمله بيان، اخلاق، تعليم کتاب و حکمت، براي رهايي از گمراهي و يافتن راه هدايت (عبادت) توسط پيامبر (ص) معرفي شده است. - در نگاه دوم که نگاه تفکيکي به شاخه اي معرفت است. معلم اول ارسطو است چرا که « و ي نخستين واضع علم منطق بود ... و راه دليل و برهان منطقي را باز نمود و معلم ثاني نيز ابونصر فارابي است بخاطر آنکه او اول بار کتب حکمت يوناني را که ارسطو و غيره تحرير کرده اند از يوناني به عربي ترجمه کرد و تعليم داد....

ارزش و مقام معلم

شرافت و مرتبت معلم زماني اهميت دارد که بتواند شان خداوند و پيامبران را در وجود خود محقق سازد و پيوند انسان به هدف متعالي خلقت يعني عبادت را برقرار سازد. لذا در اين تعريف شهيد مرتضي مطهري يکي از آن معلمان راستين است که اولاً با نگاه ترکيبي به همه معارف بشري نظر مي کند و ثانياً تمامی تلاشهاي علمي و عملي را مقدمه اي براي عبادت مي داند و در اين راه به مرحله سوم دينداري راه مي يابد و با شهادت، عبادت عملي و علمي خود را کامل مي سازد. خداوند را مي خوانيم که او رابا سالار و سرور شهيدان امام حسين (ع) محشور سازد.

هنر معلمي:

معلمي شغل و حرفه نيست، بلکه ذوق و هنر توانمندي است معلمي در قرآن به عنوان جلوه اي از قدرت لايزال الهي نخست ويژه ذات مقدس خداوند تبارک و تعالي است. در نخستين آيات قرآن که بر قلب مبارک پيغمبر اکرم (ص) نازل شد، به اين هنر خداوند اشاره شده است:

اقرا باسم ربك الذي خلق، خلق الانسان من علق، اقرأ وربك الاكرم، الذي علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم. (علق: 1-5)

بخوان به نام پروردگارت که جهانيان را آفريد. انسان را از خون بسته سرشت بخوان! و پروردگارت کریمترین است همان که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی دانست.

در اين آيات خداوند، خود را « معلم» مي خواند و جالب اين که معلم بودن خود را بعد از آفرينش پيچيده ترين و بهترين شاهکار خلقت، يعني انسان آورده است.

مقام معلم بودن خدا، بعد از آفرينش قرارداد. نوعي انساني را که هيچ نمي دانست، به وسيله قلم آموزش داد که اين از اوج خلاقيت و هنر شگفت خداوند در امر آفرينش حکايت دارد:

چو قاف قدرتش دم بر قلم زد هزاران نقش بر لوح عدم زد

از اين رو، مي توان گفت که هنر شگفت معلمي از آن خداوند عالم است.

شهيد ثاني رحمت الله درباره هنر معلمي خداوند مي فرمايد:

خداوند از آن جهت به وصف (اکرميت) و نامحدود بودن کرامتش، توصيف شد که علم و دانش را به بشر ارزاني داشته است. اگر هر مزيت ديگري، جز علم و دانش، معيار فضيلت به شمار مي رفت، شايسته بود همان مزيت با وصف (اکرميت) در ضمن اين آيات همراه و هم پا گردد و آن مزيت به عنوان معيار کرامت نامحدود خداوند به شمار آيد. کرامت الهي در اين آيات با تعبير « الاکرام» بيان شده است. چنين تعبيري مي فهماند که عالي ترين نوع کرامت پروردگار نسبت به انسان با والاترين مقام و جايگاه او، يعني علم و دانش هم طراز است.

به همين جهت امام خميني (ره) مي فرمود:

معلم اول خدای تبارک و تعالی است به وسیله وحی؛ مردم را دعوت می کند به نورانیت؛ دعوت می کند به محبت؛ دعوت می کند به مراتب کمالی که از برای انسان است.

داستانی زیبا از رابطه شاگرد و معلم:

بهترین نوع این رابطه که سرشار از ادب و فروتنی است، در داستان حضرت موسی (ع) به عنوان شاگرد و حضرت خضر (ع) در مقام معلم - نمود دارد. موسی (ع) مأمور شد تا از بنده ای صالح به نام خضر (ع) کسب علم کند. قرآن آغاز گفت و گوی این معلم و شاگرد را این چنین بیان می کند:

قال له موسی هل اتبعک علی ان تعلمن مما علمت رشداً * قال انک لن تستطیع معی صبراً * و کیف تصبر علی ما لم تحط به خبراً * قال ستجدنی ان شاء الله صابراً و لا اعصی لک امرأ * قال فان اتبعنی فلا تسألنی عن شیءٍ حتی احدث لک منه ذکراً. (کهف: 66 - 70)

موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده که مایه رشد است به من بیاموزی؟ گفت: «تو هرگز هم پای من نمی توانی صبر کنی و چگونه در مورد چیزهایی که از آن شناخت نداری، شکیبایی می کنی؟« گفت: «اگر خدا بخواهد، مرا شکیبیا خواهی یافت و در هیچ کاری نافرمانی تو نمی کنم.« گفت: اگر به دنبال من آمدم، چیزی از من می پرس تا خودم از آن با تو سخن بگویم.«

معلم در کلام امام خمینی (ره):

نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست؛ انبیا هم معلم بشر هستند.

تمام ملت باید معلم باشند؛ فرزندان اسلام تمام افرادش معلم باید باشند و تمام افرادش متعلم.

معلم در سخنان مقام معظم رهبری:

دست توانای معلم است که چشم انداز آینده ما را ترسیم می کند.

اگر می بینید که امیرمؤمنان، مولای متقیان علی (ع) می فرماید: «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً؛ هرکس چیزی به من بیاموزد، مرا غلام خویش کرده است.« این بیان برای ما درس است تا معلمان، قدر خود را بدانند و تشخیص دهند که چقدر، وجود آنها در سرنوشت یک ملت مؤثر است.

معلم در کلام استاد مطهری:

معلم باید نیروی فکری متعلم را پرورش دهد و او را به سوی استقلال رهنمون شود. باید قوه ابتکار او را زنده کند؛ یعنی در واقع، کار معلم آتش گیره دادن است. فرق است میان تنوری که شما بخواهید آتش از بیرون بیاورید و در آن بریزید تا آن را داغ کنید و تنوری که در آن هیزم و چوب جمع است و شما فقط آتش گیره از خارج می آورید و آن قدر زیر این چوب ها و هیزم ها قرار می دهید که اینها کم کم مشتعل شود.

مقام معلم

می توان در سایه آموختن///// گنج عشق جاودان اندوختن

اول از استاد، یاد آموختیم /////پس، سویدای سواد آموختیم

از پدر گر قالب تن یافتیم///////// از معلم جان روشن یافتیم
ای معلم چون کنم توصیف تو///////// چون خدا مشکل توان تعریف تو
ای تو کشتی نجات روح ما///////// ای به طوفان جهالت نوح ما
یک پدر بخشنده آب و گل است///////// یک پدر روشنگر جان و دل است
لیک اگر پرسی کدامین برترین///////// آنکه دین آموزد و علم یقین
استاد حسین شهریار